

# تلویزیون کابلی

جیمز میلر

ترجمه: حسن نورایی بیدخت

این مقاله، ترجمه‌ای است از

James Miller, Cable Television, in: International Encyclopedia of Communication, New York:

oxford university press, 1989, No. 1.P.P 223- 225.

سیستم‌های کابلی می‌توانند علایم را تنها در یک جهت، یعنی از یک منبع یا نقطه مبدأ به گیرنده‌های مشترکان بفرستند. کابل‌های هم‌محور اولیه، تنها می‌توانستند سه کانال را پوشش دهند. اما بعدها، ظرفیت این کابل‌ها افزایش یافت و تعداد کانال‌ها به دوازده رسید که استاندارد این صنعت بود. تا چند سال بعد، ظرفیت اغلب سیستم‌ها در سطح بیست کانال و یا کمتر از آن باقی ماند. هر چند که، سیستم‌های برخوردار از تکنولوژیهای پیشرفته‌تر، بیش از یک صد کانال را نیز پوشش می‌دهند. در بعضی از سیستم‌های مختلط، برای صرفه جویی در هزینه‌ها، هم کابل هم‌محور و هم سیم‌های تلفن به کار گرفته شده است. اما بیشتر خطوط تلفن محلی، سیم‌های بسیار باریکی دارند و نمی‌توانند با سرعت کافی علایم تصویری را انتقال دهند. برخی از سیستم‌های کابلی، رسانه‌هایی تعاملی آند و استفاده کنندگان از آنها، می‌توانند به کمک یک پایانه، به علایم دریافتی از منبع یا نقطه مبدأ پاسخ دهند. سیستم «کوب»، از فرآورده‌های اولیه این تکنولوژی بود که آن را مؤسسه «ارتباطات کابلی وارنر-ایمکس» طرح ریزی کرد.

## سیاست‌های ملی

رهیافت‌های ملی در مورد توسعه سیستم‌های کابلی، تفاوت‌های بسیار داشته است. در اوایل دهه ۱۹۸۰، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، انگلستان و ایالات متحده آمریکا، سیاست‌هایی در مورد توسعه تلویزیون‌های کابلی در پیش گرفتند. در آن زمان در سه کشور فرانسه، آلمان و انگلستان سیستم‌های کابلی فعال، تعدادشان اندک بود. اما مقام‌های سیاسی این کشورها تلاش کردند تا به رویای توسعه سیستم کابلی - در زمینه صنعتی و فرهنگی - جامه عمل بپوشانند. طرح و ساخت و نصب تکنولوژی کابلی پیشرفته، به نفع اقتصاد داخلی تشخیص داده شد، هم به عنوان فعالیت‌های

تلویزیون کابلی، بعد از جنگ جهانی دوم به منظور ارائه یک سرویس تلویزیونی و انتقال مجدد برنامه‌های فرستنده‌های تلویزیونی سنتی به خانه‌ها از طریق کابل در نواحی فریز آغاز به کار کرد. و رفته رفته، به صورت یک سرویس تلویزیونی بالقوه مستقل در آمد و با سلطه تلویزیون سنتی بر رسانه‌ها به چالش برخاست.

با توسعه تکنولوژی کابلی، عده‌ای حتی پیش بینی کردند که تلویزیون کابلی هسته مرکزی یک انقلاب را در زمینه وسایل ارتباطی تشکیل خواهد داد. آنان معتقد بودند تلویزیون کابلی همراه با هر آنچه که تلویزیون معمولی ارائه می‌کند، رفته رفته به صورت رشته سیمی در می‌آید که همه خدمات را به خانه می‌آورد: سرویس تلفن، دسترسی به کامپیوتر، فاکسی مایل، داد و ستد تجاری متقابل، حفاظت از خانه در برابر ورود تبهکاران، و امثال آن. تا دهه ۱۹۸۰، روشن شده بود که تحقق این ایده‌ها، از لحاظ تکنیکی امکان پذیر هست. اما حتی هنگامی که رؤیای تحقق می‌یافت، تلویزیون کابلی دریافت که دیگر تکنولوژیهای در حال ظهور در عرصه ارتباطات پیچیده رو به افزایش، موقعیتش را مورد تهدید قرار می‌دهند.

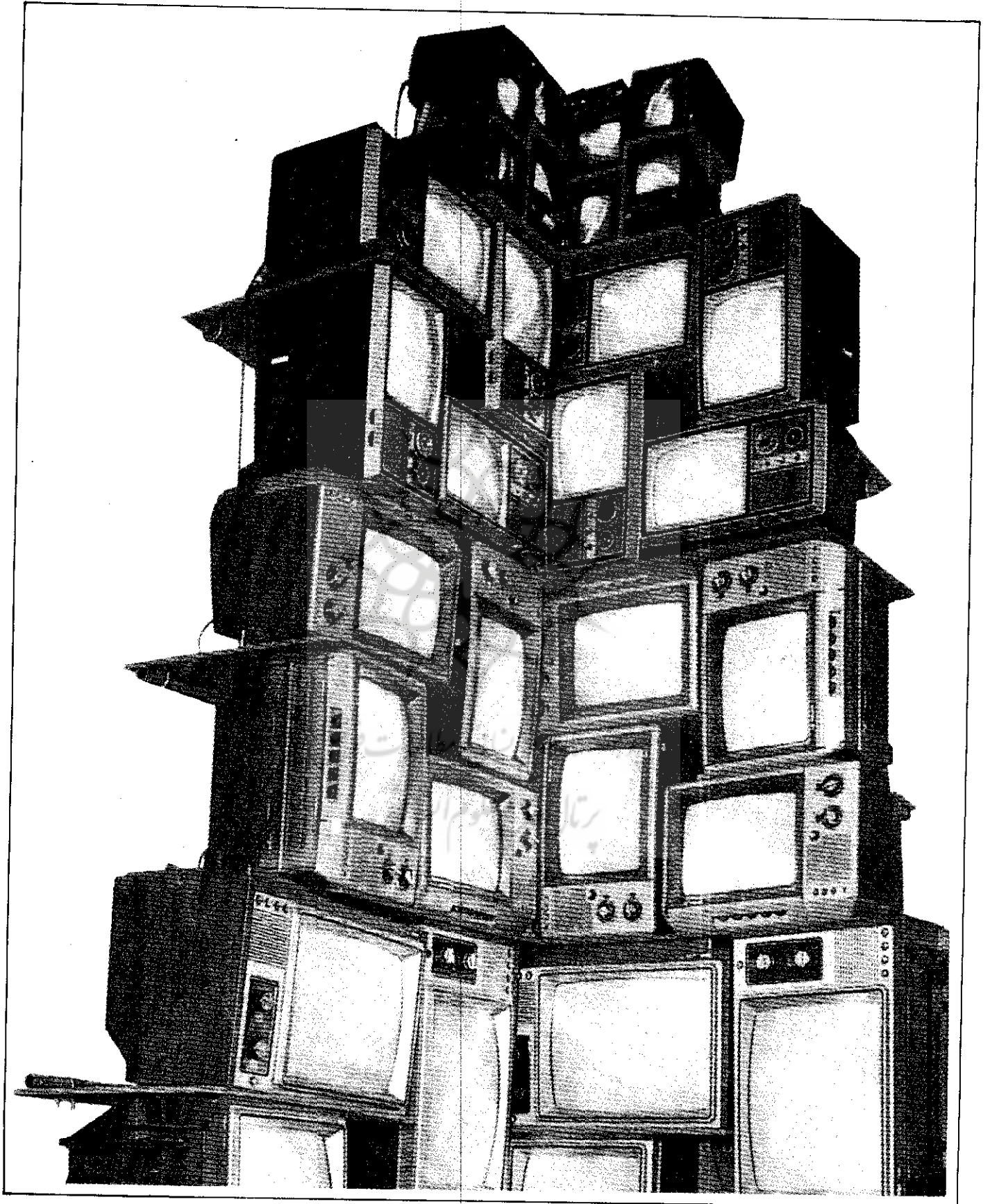
## تکنولوژی

اصول تکنولوژی کابلی، از نام اصلی آن یعنی تلویزیون آنتن محله‌ای<sup>۱</sup> مشخص می‌شود. علایم، از آنتن ماهواره، که یک ارتباط زمینی مایکروویو است، و یا در مورد یک فرستنده تلویزیونی محلی، از راه هوا دریافت می‌شود. سپس، این علایم از یک نقطه مبدأ و معمولاً از طریق کابل هم‌محور، به گیرنده‌های متعدد انتقال می‌یابد. گیرنده‌های کابلی، تلویزیون‌های معمولی هستند که تغییرات اندکی در آنها صورت گرفته است. اگر چه کابل هم‌محور از باند عریض و فرکانس‌هایی استفاده می‌کند که در طیف یا بیناب رادیویی بین ۵ و ۶۰۰ مگاهرتس قرار می‌گیرد، ولی بیشتر

2. Interactive Media

3. QUBE

1. Community Antenna Television (CATV)



صنعتی فرآور در یک بخش تکنولوژی پیشرفته کلیدی، و هم به عنوان شیوه‌هایی برای ایجاد یک زیر ساخت ارتباطی مدرن، که از لحاظ تقویت مشارکت در بازارهای بین المللی ارتباطات، جنبه‌ای حیاتی داشت. از لحاظ فرهنگی، سیاست کابلی در فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، و انگلستان بخشی از سیاست مربوط به آزادی بیان بود که انحصار سیستم‌های تلویزیونی دولتی سنتی را درهم شکست. این امر، خود نشانگر وجود تقاضای بیشتر برای برنامه ریزی‌هایی بود که می‌توانست امکانات بسیار تولیدکنندگان یک کشور را افزایش دهد. فرانسه در زمینه توسعه سیستم کابلی به گونه‌ای بسیار تهاجمی عمل کرد و مبالغ هنگفتی از بودجه دولت را به اجرای پروژه‌های آزمایشی اختصاص داد.

این سیاست، در ایالات متحده گونه کاملاً متفاوتی داشت. بیشتر رسانه‌های ارتباطی نوین، نتوانستند اهمیتی را که تلویزیون‌های کابلی در ایالات متحده یافته بودند، به دست آورند و نظیر پژوهشگران و سیاستگذاران این کشور را به خود جلب کنند. گروه‌هایی چون رند کورپوریشن<sup>۴</sup> و بنیاد اسلون<sup>۵</sup> و کمیته‌های کنگره، دفتر اجرایی سیاست ارتباطات<sup>۶</sup>، و کمیسیون ارتباطات فدرال<sup>۷</sup>، از گزارشها و تحقیقات این پژوهشگران حمایت کردند. این گزارشها و تحقیقات، در کتابها و گاهنامه‌های معروف انعکاس می‌یافت. و در آنها، اتخاذ سیاستهای تنظیم سیستم کابلی توصیه می‌شد. بدین ترتیب، قابلیت تصویری تلویزیون‌های کابلی، پیشرفت بی‌سابقه‌ای کرد.

در سال ۱۹۵۹، کمیسیون ارتباطات فدرال اعلام داشت: از آنجا که سیستم کابلی نه یک پخش رادیو و تلویزیونی است و نه یک سیستم ارتباطی موظف به ارائه خدمت

4. Rand Corporation

5. Sloan Foundation

6. Executive Office and Telecommunications Policy

7. Federal Communications Commission

به عموم، این کمیسیون حق ندارد بر آن نظارت کند. از حدود سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۸، یعنی در دوره‌ای که طی آن نفوذ تلویزیون کابلی در خانه‌های آمریکا از ۲ در صد به ۲۰ درصد افزایش یافت، کمیسیون ارتباطات فدرال ضوابط محدود کننده مختلفی در قبال آن اعمال کرد. تا سال ۱۹۸۴، کنگره آمریکا با وضع قانون سیاست ارتباطات کابلی، کنترل دولت را بر سیستم کابلی - تا کمترین حد - کاهش داد. می‌توان گفت که انتقال سیاستهای حمایتی از رادیو تلویزیون به قدرت بازار، در سیاستهای تلویزیون کابلی آمریکا، به این مفهوم بود که رشد سریع صنعت کابلی، دورنمای سعادت آینده است. حال آنکه شبکه‌های تلویزیونی معمولی، آرام آرام از رونق می‌افتادند، به ویژه برای تبلیغ کنندگانی که در صدد یافتن مخاطبان کوچکتر و یکدست‌تری بودند. سیاست آمریکا در زمینه تنظیم قواعد، با نداشتن یک نظریه کاملاً مورد قبول و یا از لحاظ تاریخی پایدار - برخلاف رهیافتهای اروپایی غربی - عمدتاً جنبه‌ای واکنشی داشته و با فشارهای قدرت سیاسی و اقتصادی تطبیق می‌کند.

### برنامه ریزی، خدمات و مالکیت

تلویزیون کابلی در مقایسه با تلویزیون معمولی، به مشترکان خود حق انتخاب بسیار زیادی می‌دهد. عموماً بر این عقیده‌اند که در دهه ۱۹۷۰، تحول چشمگیری روی داد و آن هنگامی بود که «واحد سرگرمیهای خانگی» مؤسسه تایم، جهت پخش فیلمهای سینمایی برای سیستمهای کابلی مختلف در سراسر آمریکا، به استفاده از ماهواره پرداخت. این امر، باعث ارائه برنامه‌ها و خدمات متعدد شد و علمی بودن ایجاد شبکه‌های کابلی را نشان داد و در نتیجه، موجبات رشد سریع سیستم کابلی و تبدیل آن به یک صنعت عمده ملی و انتقالی را فراهم آورد.

اقتصاد برنامه‌های کابلی، شاید بیشتر به اقتصاد فیلم شباهت داشته باشد تا اقتصاد تلویزیون سنتی. گردانندگان سیستم کابلی،

عموماً با توجه به تعداد کلی مشترکان خود، به تهیه فیلم اقدام می‌کنند. مشترکان نیز به اندازه خدماتی که دریافت کرده‌اند، پول می‌پردازند. در کشورهایی که مقررات اجازه می‌دهد، ممکن است هزینه تمامی یا قسمتی از سرویسهای برنامه‌ریزی، با پخش آگهیهای بازرگانی تأمین شود. برای کاهش هزینه‌ها، دست اندرکاران سیستمهای کابلی به داشتن سیستمهای چندگانه و مؤسسه‌های رسانه‌ای موازی گرایش پیدا کرده‌اند. مالکیت چندگانه سیستمهای کابلی، همراه با سیستم کابلی و سرویس برنامه‌ریزی، شبکه و سرویس برنامه‌ریزی، استودیوی فیلمسازی و سرویس برنامه‌ریزی، در آمریکا رشد سریعی داشته است. و البته هر مورد، با موفقیتها و ناکامیهایی نیز همراه بوده است. در انگلستان، بزرگترین عمده فروش روزنامه و مجله کشور، حضور چشمگیری در صحنه تلویزیون کابلی پیدا کرد. «اسکای چنل»<sup>۸</sup> روبرت مرداک، حتی قبل از آنکه وی استودیوهای فوکس قرن بیستم و تلویزیون متر و مدیای آمریکا را بخرد، خود یک شبکه تلویزیونی بود. و یک کانال کابلی آلمان، که بخشی از آن به کمپانی ارتباطی برتلزمن تعلق داشت، اخبار خود را از روزنامه‌های محلی می‌گرفت.

رقابت با سیستمهای کابلی، به شکلهای مختلف جلوه‌گر شد: دستگاههای ویدیو، که می‌توان از آن برای نشان دادن فیلمها و دیگر برنامه‌ها استفاده کرد و نوارش را می‌توان از فروشگاهها و مراکز مختلف خرید و یا اجاره کرد؛ ماهواره‌های پخش مستقیم، که علایم را مستقیماً به خانه‌ها می‌فرستند و دیگر نیازی به نصب کابل ندارند؛ تلویزیون کم قدرت<sup>۹</sup>، که از آن برای رساندن پیام به مخاطبان اندک و محلی استفاده می‌شود؛ و شبکه‌های توزیع چندگانه و چندکاناله، که از طریق ارتباطات مایکروویو برای ارائه سرویس به چند کانال محدود به کار گرفته می‌شود، و نسبت به تلویزیون کابلی به سرمایه کمتری

8. Sky Channel

9. Law - power T.V

نیاز داشت؛ تلویزیون آنتن مرکزی ماهواره‌ای<sup>۱۰</sup>، که به تلویزیون کابلی خصوصی نیز معروف است، سیستم کابلی کوچکی به وجود آورد که نمونه کوچکی از سیستم‌های ارائه شده به ساختمان‌های عظیم و پُر جمعیت به حساب می‌آمد.

تا قبل از آنکه دست اندرکاران فرستنده‌های کابلی به رمزگذاری و تغییر فرکانس امواج علایم ارسالی خود بپردازند، با آنتهای بشقابی (دیش) خانگی ارزان قیمت، می‌شد برنامه‌های مخصوص سیستم‌های کابلی را بدون هیچ هزینه‌ای دریافت کرد.

الگوی مالکیت تلویزیون کابلی در کشورهای جهان، تفاوت پیدا کرده است. سیستم کابلی فرانسه را وزارت پست، تلگراف و تلفن کشور طراحی، نصب، و بهره‌برداری کرده است. اما، جوامع محلی، با همکاری مقام‌های کشوری، مسئولیت تأمین بودجهٔ احداث آن را بر عهده داشتند. این جوامع، در چارچوب دستورالعمل‌های کُلی، در برنامه‌ریزی آن نیر نقش داشتند. در جمهوری فدرال آلمان، اگر چه وزارت پست، تلگراف و تلفن سیستم کابلی کشور را توسعه داد، ولی مسئولیت رسمی تصمیم‌گیری در مورد این سیستم به عهدهٔ ایالتها بود. دولت انگلستان نیز، اگر چه خود سیاست ملی ایجاد سیستم تلویزیون کابلی را تنظیم کرد، اما تأمین بودجهٔ ایجاد و برنامه‌ریزی آن را بر عهده نگرفت و این امر را صرفاً وظیفهٔ شرکتها و مؤسسات [خصوصی] دانست. شرکت خدمات کابلی انگلستان<sup>۱۱</sup> که به رابرت ماکسول تعلق داشت، در اندک زمانی حدود سه چهارم سیستم‌های کابلی انگلستان را در اختیار گرفت.

در ایالات متحده، مالکیت سیستم‌های کابلی خیلی زود به صورتی متمرکز در آمد. تا اوایل دههٔ ۱۹۸۰، ده شبکهٔ کابلی چندگانهٔ بزرگ آمریکا، حدود نیمی از مشترکان تلویزیون‌های کابلی را از آن خود کرده بودند.

10. Satellite Master - Antenna T.V

11. British Cable Services

ادغام عمودی و مالکیت رسانه‌های مختلف رواج داشت و شبکه‌های کابلی چندگانه با یکدیگر به مبادلهٔ سیستم می‌پرداختند تا اموال و دارایی‌های خود را در مناطق جغرافیایی یکپارچه سازند. سازگاری برنامه‌های گرفته شده از دیگر رسانه‌ها - مثل مجلات - با سیستم تلویزیونی کابلی، هزینه‌های شبکه‌های کابلی را کاهش داد و در عین حال، برنامه‌ها را برای بسیاری از تماشاگران، به صورت چالتری در آورد. بعضی از شبکه‌ها، با استودیوهای هالیوود قرار دادهایی انحصاری بسته بودند: یا فیلم‌های این استودیوها را به نمایش می‌گذاشتند، یا در ساخت فیلم از همکاری آن استودیوها برخوردار می‌شدند و یا اینکه از این استودیوها، به عنوان مراکز تولید خود استفاده می‌کردند. تا اواخر دههٔ ۱۹۸۰، بسیاری از بزرگترین شبکه‌های کابلی چندگانهٔ آمریکا، هر کدام بیش از یک میلیارد دلار ارزش پیدا کرده بودند.

### حوزهٔ عمل تلویزیون کابلی

تعدد و تازگی شبکه‌های کابلی، باعث شد که این سیستم بر بینندگان تلویزیون‌های سنتی نفوذ بسیار کند. به طور مثال، در آمریکا میزان مخاطبان تلویزیون سنتی از ۹۳ درصد در سال ۱۹۷۵، به ۸۰ درصد در سال ۱۹۸۵ کاهش پیدا کرد. براساس قوانین، در خانه‌هایی که تلویزیون کابلی داشتند، میزان مخاطبان شبکه‌های تلویزیونی سنتی تا ۵۰ درصد کاهش یافت. تا اواسط دههٔ ۱۹۸۰، حدود نیمی از خانواده‌های تلویزیون دار آمریکا، از تلویزیون کابلی استفاده می‌کردند. اما مناطق وسیعی از کشور، به ویژه نواحی روستایی و شهرهای مناطق مرکزی، به سیستم کابلی دسترسی نداشتند. در انگلستان، در آغاز این تردید بود که آیا سیستم کابلی خواهد توانست برای تأمین هزینه‌های خود، دست کم به ۳۰ درصد خانواده‌ها راه پیدا کند، یا نه؟ در مقابل، در دیگر کشورها سیستم کابلی از همان آغاز، نفوذ چشمگیری بر تماشاگران تلویزیونی

پیدا کرد. تا اواسط دههٔ ۱۹۸۰، سیستم کابلی بلژیک، ۸۰ درصد خانواده‌ها را پوشش می‌داد، و در هلند، این رقم معادل ۶۰ درصد بود. این کشورها به اضافهٔ سوئیس، اگر چه فقط ۸ درصد خانواده‌های اروپای غربی را تشکیل می‌دادند، اما حدود دو سوم کلیهٔ خانواده‌های دارای تلویزیون کابلی اروپای غربی، از آن این کشورها بود. حدود ۶۰ درصد خانواده‌های تلویزیون دار کانادا، از سیستم کابلی استفاده می‌کردند. اما در همین زمان، در ایتالیا تلویزیون کابلی چندان رسوخ نکرده بود و در مقابل، دستگاه‌های ویدیو، بشقاب‌های ماهواره‌ای، و سیستم‌های تلویزیونی سنتی در آنها جایگاه خاصی داشت.

یکی از عوامل فراز و نشیب داشتن موفقیت تلویزیون کابلی، همانا ماهیت اشتقاقی آن (اتکا به دیگر رسانه‌ها) بوده است. تلویزیون کابلی، برنامه‌های بیشتر و واضحتری به مشترکان خود عرضه داشته است، اما این برنامه‌ها، غالباً منعکس کنندهٔ برنامه‌های دیگر رسانه‌ها بوده، و میزان قطع ارتباط نیز بالا بوده است. با وجود این، چشم انداز آینده‌ای شگفت انگیزتر که در آن سیستم‌های تک سیمی، مجموعهٔ بی‌سابقه‌ای از سرویس‌های دو طرفه را در برگیرد، همچنان به قوت خود باقی است. این رؤیاها، متکی است بر توانایی‌های بالقوهٔ سیستم انتقال تصویر «تارنوری»<sup>۱۲</sup> که امکان‌اتش از توانایی‌های سیستم کابل هم محور در زمینهٔ انتقال جریان‌های چندگانهٔ ارتباطی، بسیار بیشتر است. این تکنولوژی، ظاهراً آماده است تا نه تنها در تلویزیون کابلی، بلکه در سرویس تلفن و شبکه‌های ارتباطی نیز انقلابی صورت دهد. اینکه آیا این تکنولوژی در دیگر تکنولوژی‌ها محو خواهد شد یا آنها را به خود جذب خواهد کرد، و عواقب و پیامدهای اجتماعی هر یک از این تحولات چه خواهد بود؛ مسائلی است که قرن آینده به آن پاسخ خواهد داد.